

یک اتفاق ساده

از بلوای مشکوک جناب‌خان تا کوچ مدام هنرمندان



● **کیوان کتیریان**

● **یک:** به‌نظر نمی‌رسد همه چیز در ماجرای جدایی جناب‌خان کاملاً سراسرت و باورپذیر باشد.از سویی صاحب و خالق عروسک جناب‌خان اعلام می‌کند به او از سوی تلوزیون هیچ پیشنهاد مالی نشده و از سوی دیگر، رامید جوان روی آنتن خبر از مذاکرات متوالی و پیشنهاد خیلی خوب مالی می‌دهد. از یک طرف، محمد بحرانی- صداییشه جناب‌خان- روی آنتن از همکاری نکردن با فیلم سینمایی جناب‌خان حرف می‌زند و از طرف دیگر، سالارزی- صاحب‌امتیاز عروسک- دارد مقدمات ساخت فیلم را فراهم می‌کند و بازیگر برمی‌گزینند! اینکه چرا خندانوه حضور داشت، سکوت کرده بود و اعتراضی نمی‌کرد، سؤال مهمی است که سالارزی تمایلی به پاسخ دادنش ندارد. اینکه از کی تا‌به‌حال تلوزیون این همه به رعایت حق مؤلف، مقید شده که به خودش اجازه نمی‌دهد تصویر یک عروسک را بدون اجازه شبیه‌ناک و جدی است. تلوزیونی که بارها و بارها صدای خوانندگان و فیلم‌های فیلم‌سازان را بی‌اجازه آنها روی آنتن برده، بکهو چطور این‌همه قانونمد می‌شود؟ کنار هم گذاشتن گزاره‌های موجود، این ظن را تقویت می‌کند که همه ماجرا می‌تواند به‌همین‌سادگی نباشد که تصور می‌کنیم. به‌هرحال هر برنامه تلوزیونی برای دوری از عادت‌کردن مخاطب که ریزش به دنبال دارد، نیاز به تبلیغات متفاوتی برای دور جدیدش دارد و هر فیلم سینمایی نیز برای جلب توجه مخاطبان، محتاج بازکردن عرصه‌های جدید تبلیغاتی است. بی‌آنکه بخواهم به دام قضائونی دراین‌باره بیفتم، باید اذعان کنم با دیده تردید به کل این ماجرا می‌نگرم و امیدوارم این ماجرا نه یک برنامه مدون برای امتیاز گرفتن از تلوزیون باشد و نه یک سناریوی تبلیغاتی، و امیدوارم احترام به علایق مردم بیش از هر چیز اهمیت داشته باشد و سوااستفاده از این علایق به هر شکل و در هر شرایطی، مذموم بماند. حالا شاید بشود حدس زد چرا در برنامه انتهایی سومین سری خندانوه، جناب‌خان دستگیر و زندانی می‌شود!!

دو: متأسفانه آنچه باید باور کرد و ظاهر گریزی هم از آن نیست، رفت‌های پی‌درپی هنرمندان و اهل فرهنگ است. آنها که جایگزینی ندارند و گاه آن چنان بی‌هنگام ما را ترک می‌کنند که جز اندوه و حسرت بی‌حد چیزی برجای نمی‌ماند. دنیا فنی‌زاده، هنرمندی که با دستان جادویی‌اش برای چند نسل خاطره ساخت، جعفر والی بزرگ که از بزرگ‌ترین‌های تئاتر و سینمای ماست و در انبوهی از آثار پرافتخار هنرهای نمایشی و تصویری درخشید و پوران فرخزاد، انسانی صادق و صمیمی که نامش یادآور بزرگی در شعر و فرهنگ است، رفتن این سه در کمتر از یک هفته، تأسف‌بار است. اگر بگویم امسال تنها به دلیل همین رفتن‌های تکان‌دهنده و پرشمار، سال خوبی برای فرهنگ و هنر نبود، پیرباره گفته‌ایم. روحشان شاد.



رضا اشفته: «ضیافت ژازه»، عنوان پرפורمنسی از محسن حسینی است که در اختتامیه نمایشگاه آثار نقاشی و مجسمه این هنرمند نامی معاصر ایران در روزهای جمعه ۱۰ و شنبه ۱۱ دی در گالری شهرپور با حضور علاقه‌مندان برگزار شد. محسن حسینی، دراماتورژ، طراح و کارگردان، می‌خواست در این پرفورمنس به هنر ژازه تئاتریایی بپردازد؛ هنری مدرن و ماندگار که میراث ملی است، اما آن‌طور که بایدوشاید دیده و از آن بهره‌وری نمی‌شود. محسن حسینی که دانش آموخته تئاتر، درام و ارتباطات از دانشگاه یوستوس لیبیک کیسن آلمان است، این‌بار شیفتگی‌اش را نسبت به آثار نقاشی و مجسمه‌های ژازه تئاتریایی، در پارتیتوری از مولتی‌مدیا، رقص یا خطابه نمایشی (Lecture performance) به نمایش گذاشت. حسینی، میهمانان شرکت‌کننده در این ضیافت را به مشارکت و هم‌نوازی و هم بازی شدن در این پرفورمنس دعوت می‌کرد، زیرا به گفتار بی‌بدیل ژازه تئاتریایی در حیطه هنر پرفورمنس، یعنی رویداد، رخدادهای لگهانی و به‌عبارتی هنر ناگهانی معتقد است.

نمایش فیکورها

در اولین بخش از آغاز پرفورمنس، او روی میز و در میان چهار مجسمه آهنین به اجرای نمایش پرداخت که این نمایش توأم با اشعاری بود که بازیگری آنها را دکلمه می‌کرد. هدف ارائه فیکورهای است که در مجسمه‌ها نمایان است و به‌نوعی در این هم‌سویی و هماهنگی چند نسل خاطره ساخت، جعفر والی بزرگ که از بزرگ‌ترین‌های تئاتر و سینمای ماست و در انبوهی از آثار پرافتخار هنرهای نمایشی و تصویری درخشید و پوران فرخزاد، انسانی صادق و صمیمی که نامش یادآور بزرگی در شعر و فرهنگ است، رفتن این سه در کمتر از یک هفته، تأسف‌بار است. اگر بگویم امسال تنها به دلیل همین رفتن‌های تکان‌دهنده و پرشمار، برای فرهنگی و هنر نبود، پیرباره گفته‌ایم. روحشان شاد.

نشریه هالیوودریپورتر آخرین پیش‌بینی سال ۲۰۱۶ خود را درباره نامزدهای جوایز اسکار پیش‌رو منتشر کرد. به گزارش ایسنا، «اسکات فینبرگ»، متخصص جوایز سینمایی، در جدیدترین پیش‌بینی خود درباره نامزدهای جوایز اسکار ۲۰۱۷، فیلم‌های «فروشنده» (ایران)، «تونی اردمن» (آلمان)، «سرزمین مین» (دانمارک)، «مردی به نام او» (سوئد) و «بهشت» را به‌عنوان بیش‌تازان اصلی شاخه بهترین فیلم غیر انگلیسی هشتادونهمین دوره جوایز سینمایی اسکار معرفی کرد. در این پیش‌بینی، از فیلم‌های «انتخاب پادشاه» (نروژ)، «زندگی من به‌عنوان

کدو» (سوئیس)، «این تنها پایان جهان است» (کانادا) و «تانا» (استرالیا) به‌عنوان تهدیدهای اصلی در شاخه بهترین فیلم غیرانگلیسی‌نام برده شده است. در این پیش‌بینی، فیلم‌های «لالا لند»، «متهاب»، «منچستر کنار دریا»، «اگر از آسمان سنگ ببارد»، «شیر»، «ستیع آزادی»، «حصارها»، «چهره‌های پنهان»، «ورود» و «سالی» به‌عنوان شانس‌های اصلی کسب نامزدی در شاخه بهترین فیلم انگلیسی‌زبان جوایز اسکار ۲۰۱۷ معرفی شده‌اند. فیلم «فروشنده»، ساخته اصغر فرهادی به‌همراه «تونی اردمن»، به‌کارگردانی «مارن اِده»، «مردی به‌نام او»، ساخته «پل وروهنف» و

آخرین پیش‌بینی سال ۱۶۲۰ هالیوودریپورتر درباره «فروشنده»

همچنان در میان ۵ پیشتاز اسکار خارجی

«Divines» به کارگردانی «هودا بنیامینا» از سینمای فرانسه و «نرودا»، ساخته «پابلو لارائین» به نمایندگی از سینمای شیلی، پنج نامزد نهایی شاخه بهترین فیلم خارجی جوایز گلدن گلوب نیز هستند که برندگان آن روز هشت ژانویه ۲۰۱۷ (یکشنبه ۱۹ دی) اعلام می‌شود. فهرست نامزدهای نهایی جوایز سینمایی اسکار ۲۰۱۷ روز ۲۴ ژانویه (بهمن‌ماه) اعلام خواهد شد و مراسم اعطای جوایز هشتادونهمین دوره این رویداد سینمایی نیز روز ۲۶ فوریه ۲۰۱۷ (یکشنبه هشت اسفند) در دالئی تئاتر لس آنجلس برگزار می‌شود.



عکس‌ها: احسان نهاشت

شامل مانی غلامی، امیر هیوند، حمیدرضا نورایی و کاوه سجادی می‌شدند که در تلطیف فضا نیز حضورشان به چشم می‌آمد. همچنین مولتی‌مدیا که با آثاری از ژازه از وحید مهدیزاده و محسن حسینی صورت گرفته بود، در توجه عینی‌تر نقش داشتند. در این پرفورمنس، بریده‌ای از دو فیلم خسرو سینیای پخش شد. این فیلم‌ساز دو فیلم با نام‌های «شرح حال» (۱۳۴۷) و «کوچه پاییز» (۱۳۷۵) را براساس زندگی و آثار ژازه تئاتریایی ساخته است. محسن حسینی در پایان کمی ناراحت بود از اینکه در ازدحام تماشاگران، فضای راحتی برای ارائه پرفورمنس نبوده است اما دلش هم نمی‌آمد. این تماشاگران مشتاق را به بیرون براند. او چند ماه پیش از مرگ ژازه (در بهمن ۱۳۸۶)، او را با معرفی جلال ستاری از نزدیک ملاقات می‌کند. البته سال‌ها قبل‌تر وصفش را از یکی از خواهرزاده‌هایش در فرانکفورت شنیده است و این دیدار منجر به قول و قراری می‌شود که هرگز عملی نشده است، چون ژازه از محسن حسینی می‌خواهد به خانه‌اش برود تا نمایش‌نامه‌هایش را بخواند و برای اجرایشنش گپ بزنند. ژازه از ۱۲سالگی با داستان‌نویسی هنرش را آغاز می‌کند و بعد در دوران جوانی در دانشکده ادبیات در دوره کارگردانی و مبانی تئاتر شرکت می‌کند و اتفاقاً چند نمایش‌نامه می‌نویسد و یکی از آنها را نیز کارگردانی می‌کند. او بعد نقاشی را در هنرهای زیبا به پایان می‌رساند و اولین گالری شخصی را به نام خودش در ایران ثبت می‌کند. او نمایش‌نامه، شعر و رمان نیز دارد و در نقاشی و مجسمه‌سازی نیز یکی از بنام‌ترین‌های معاصر کشورمان است. خانه او در خیابان طالقانی (تخت‌جمشید)، کوچه پاییز می‌تواند یک موزه باشد که در آثار هنری گران‌بهرایی دارد که خاک می‌خورند و این غبار زمان است که نیازمند ربودنی اساسی است و ...

درواقع موسیقی پرند در قفس، اثر جان کیچ، هنرمند آوانگارد است که می‌تواند در این جان‌بخشی به این تدبیس‌ها نقش آفرینی و رقص حسینی را پویاتر از آنچه باید در مقابل دیدگان برجسته کند. البته که حسینی در فضا نیز چنین لحنی را دارند و درکل حس و حالت رقصنده نیز همین پویایی و جان‌بخشی به مجسمه‌ها را تداعی می‌کند. انکار این مسیر واژگون، ما را در یکتایی تن هنرمند و جهان و هستی بیدار می‌کند. این آگاهی‌بخشی ریشه در ناخودآگاه جمعی دارد و از این تحرک دوسویه، انسان معنای ابدی می‌یابد و همیشگی‌بودنش به اعتبار سخن موجز ویلیام شکسپیر در ربیافت «بودن یا نبودن» معنای ژرفی را دربر خواهد گرفت. این قطعه گاهی به

و هنرمند است که برگرفته از ذات حقیقی زندگی است و این بازآفرینی و بازتولید برای خروج از شی‌وارگی و تبدیل آن به عصری زنده و پویاست که در مسیری واژگون از مجسمه موجود در نمایشگاه رپوبال می‌گیرد تا در زندگی حقیقی و در میان کوچه و بازار در اذهان عموم تماشاگران به صورت حی و زنده تحرک دوباره خود را آغاز کند. حسینی در بخش دوم در انتهای گالری در میان موسیقی و ویدئویی از نقاشی‌های ژازه قطعه‌ای دیگر از این رقص غریب را به تماشا می‌گذارد. این‌بار فیکورها برجسته‌تر و خشک‌تر از قبل به نظر می‌رسند و هنرمند عرق‌ریزان روح را به رقص درمی‌آورد که ما متوجه آفرینشی غریب باشیم. اینکه مجموعه‌ای از آثار ژازه بسترساز و سرچشمه رقص شده‌اند، هیچ بعید نیست و محسن حسینی می‌خواهد خود را با این فیکورها عجبین کند، و حتی دکلمه‌ای خوانده شده رقصنده نیز همین پویایی و جان‌بخشی به مجسمه‌ها را تداعی می‌کند. انکار این مسیر واژگون، ما را در یکتایی تن هنرمند و جهان و هستی بیدار می‌کند. این آگاهی‌بخشی ریشه در ناخودآگاه جمعی دارد و از این تحرک دوسویه، انسان معنای ابدی می‌یابد و همیشگی‌بودنش به اعتبار سخن موجز ویلیام شکسپیر در ربیافت «بودن یا نبودن» معنای ژرفی را دربر خواهد گرفت. این قطعه گاهی به

در سوگ وجودی پنهان

و اطلاعات زیادی از آن‌ها نیز دریافت کرد، ولی می‌توان بخش زیادی از آنها را غیرعامدانه دانست؛ یعنی آن نویسنده با طراح دانسته برای آشکارشدنش تلاشی نکرده است، اما در میان هنرهای نمایشی تنها هنر عروسکی است که با انتخاب آن گویی هنرمند دانسته و عامدانه دیده‌نشدن را انتخاب می‌کند. بازیگر عروسکی به‌خصوص در گونه‌های تلویزیونی و سینمایی با پنهان‌شدن، دیده‌شدن عروسکش را به‌جای خودش انتخاب می‌کند. اگرچه او خالق هستی عروسک است و بدون او، عروسک جسمی است بی‌جان، اما بخشی از هنر او در توانایی پنهان‌کردن خویش است؛ به‌گونه‌ای که تماشاگر، عروسکی از جنس چوب، پارچه و ... را چون موجودی با ویژگی‌های احساسی و رفتاری خاص ببیند. بازیگر عروسکی عامدانه خودش را پنهان می‌کند و ناگزیر تمام عمرش آشکارگی هویت ظاهری‌اش را قربانی دیده‌شدن تمام‌نمای عروسکش می‌کند. دنیا فنی‌زاده که چند روز پیش او را در دست دادیم، از این گروه هنرمندان بود؛ هنرمندی تمام که بیشتر با نام عروسک محبوبش و محبوبان، کلاهقرمزی، شناخته می‌شد. گذشته از نامش که یادآور هنرمندی است که او را نیز جبر زمانه برای بیشتر مردم به گروه پنهان‌ها فرستاده است. افزون بر این انتخاب عامدانه در دیده‌نشدن خود و دیده‌شدن عروسک، دنیا فنی‌زاده همواره به‌دور از هیاهو یا وسوسه دیده‌شدن زیست، درحالی‌که بی‌تردید می‌توانست گاه به‌جای پشت‌سر، در کنار کلاهقرمزی و دیگر شخصیت‌های عروسکی که زنده و محبوبشان کرد، بایستد. سال‌ها پیش در ترافیک خیابان شریعتی، نرسیده به بیمارستان ایرانمهر کسی در تاسی علت شلوغی را پرسید و راننده پاسخ داد: تهمین شاعره مرده... . پنهان‌شدن هویت شاملو در پس نام کلی شاعر مرا به یاد گفته تأثیربرانگیز این روزها می‌اندازد: عروسک‌گردان کلاهقرمزی بود... و به‌سوک‌نشتن ما در کنار غم فقدانش شاید از آن است که کلاهقرمزی و عروسک‌های دیگرش تنها بخشی ناچیز است از وجود هنرمند، ژرف و فروتن دنیا فنی‌زاده.

هنر

با پرفورمنس محسن حسینی برگزار شد

ضیافت ژازه

خدا گر ز حکمت ببندد دری

برخوردار بود و هست، برای اجرا در مجارستان و چند کشور اروپایی دیگر پذیرفته شد و از اینجا بود که بازتولید کار به زبان انگلیسی و مجاری نیز متولد شد... چقدر هم خوب... «خدا گر ز حکمت ببندد دری/ از رحمت گشاید در دیوگی... و اما کارکردن با یک غیرهم‌زبان قطعا خالی از فرازوفرودهای خاص خود نیست، با ژوفی برتزی» در لحظاتی از فرط هم‌عقیده‌بودن آن‌قدر دچار وجد می‌شدیم که با فریاد شادی همدیگر را در آغوش می‌کشیدیم و لحظاتی آن‌قدر اختلاف عقیده داشتیم که زمانی که از هم دور بودیم، در پاسخ‌دادن به ایمیل یکدیگر تعلل می‌ورزیدیم و در زمان تمرینات حضوری هم سرسنگین بودیم و بعضاً متکثر نیز بار یکدیگر می‌کردیم؛ اما یک اصل بین ما وجود داشت و آن چیزی نبود جز احترام‌گذاشتن به فرصت‌هایی که کانتات در پاسخ به تلاش‌ایمان به هر دو نفرمان هدیه کرده بود: «ما برای این همکاری مصمم بودیم...» ژوفی یکی از جملات امری است: «امری که به نظر شما بد می‌آید، فقط امری‌ست که شما نتوانسته‌اید از زاویه درست به آن نگاه بکنید...». ژوفی با اعتقاد به این جمله و به منتش کار را کارگردانی کرد. من هم با اعتقاد بازی کردم و پذیرفتم. در نهایت آنچنان برای جبران لحظه‌های روردری ایستادنمان تلاش کردم که امروز دو دوست بربا و خویم با ارتباطات گسترده خانوادگی؛ هم من در بوداپست صاحب خانواده شدم، هم ژوفی در ایران... چیزی که به‌سختی بین همکاران هم‌زبان خود نصیبان می‌شود... بس‌که درگیر رقابت‌های ناسالم برای بزرگ‌شدن‌های تاریخ‌مصرف‌دار در جامعه‌ای کوچک هستیم در قیاس با جامعه بزرگ دنیا. معروف‌ترین‌ها در این عرصه با محبوبیت‌های بین‌المللی رقتند و تبدیل شدند به خاطره‌هایی که آنها را هم مرور زمان به دورست‌ترین‌ها و ورطه فراموشی برد و می‌برد. طبیعت این حرفه را با رقابت عجین نشان می‌دهند و این اشتباهی بزرگ است که معتقدم همیشه برای هر عزم راست در هر زمینه‌ای، جایی برای به همسه ظهوررسیدن هست، و به امید دوست‌تربودن و به معنای واقعی کلمه بزرگ‌شدن.



● **رامونا شاه**
بازیگر تئاتر

رامونا شاه، در روزهای ۱۹ و ۲۰ دسامبر، مصادف با ۲۹ و ۳۰ آذر با حضور در کشور مجارستان در نمایش «هاله نور» به نویسندگی و کارگردانی ژوفی برتزی» به ابای نقش پرداخت.

همیشه و در تمام عرصه‌ها خواهان یک زندگی بدون‌مرز بوده‌ام؛ اینکه در فرصت کوتاهی که برای زندگی به من داده شده و نمی‌دانم چقدر قرار است طول بکشد، تا آنجا که ممکن است به آدم‌ها و فرهنگ‌های دوترین نقاط کره زمین دست پیدا کنم و کشف کنم و یاد بگیرم و به اشتراک بگذارم. اما در همان زمان کوتاه سنین کودکی ازشمندترین میراث جهان را برپایم گذاشت و برکت این میراث است که بزرگ‌شدن برایم نه در رقابت با دیگران که در زدن رکورد خودم هرروز بیشتر از روز پیش معنا پیدا کرده و این‌چنین است که خوشحالم و شاکر... در همین راستا از ابتدای حضور در دنیای تئاتر و بازیگری به‌عنوان هنروی استاد سمندریان بی‌همتا همیشه علاقه‌مند به همکاری با گروه‌های تئاتر غیرایرانی بودم. سه سال پیش با کمپانی تئاتر «تصویر جاندار» آشنا شدم و متقابلاً آنها با فعالیت‌های من به عنوان بازیگر و کسی که هرازگاهی هم کارهای اجرایی می‌کند. کار یکدیگر را دوست داشتیم و یکدیگر را از راه دور با الفاظی که نه به زبان مادری بود، ستودیم و یکی از زیباترین بخش‌های کار این بود که تلاش هر دو طرف برای بیان هرچه بهتر و شفاف‌تر احساسات و خواسته‌ها در نامه‌های به زبان انگلیسی موج می‌زد و این برای هر دو طرف بر اساس قوانین نا نوشته‌شان جهان درخورتقدیر بود. نمایش «هاله نور» برای حضور در دوره سی‌وپنجم فجر به دبیرخانه جشنواره پیشنهاد شد؛ به زبان پارسی و مجاری. ما تمرین‌ها را در کمال امید و اشتیاق شروع کردیم، اما... به‌هرحال از آنجا که کار از کیفیت بالایی

زیر آسمان فیروزهای

باله احمدی‌نژاد و ترامپ در هوای آزاد



● **ایران آرت:** دو هنرمند در نمایشگاه گروهی «باله در هوای آزاد» در گالری «آ» نقاشی‌هایی از محمود احمدی‌نژاد و دونالد ترامپ را به تصویر کشیده‌اند که اتفاقاً کنار هم به نمایش درآمده‌اند. شیدا حسن‌پور هنرمندی است که احمدی‌نژاد را بر بوم آورده و حسین تمجید نقاش تابلوی ترامپ است. در این نمایشگاه آثاری از علیرضا آدم‌بکان، فریدون آو، ایرج اسکندری، مهرداد اسکویی، پوریا پرهیزکار، حسین تمجید، صادق تیرافکن، فاطمه چاوشی، قاسم حاجی‌زاده، شیدا حسن‌پور، خسرو حسن‌زاده، ابراهیم حقیقی، مرتضی خسروی، فرشید داودی، بهرام دبیری، محمدرضا دهشیری، زرتشت رحیمی، مسعود سعدالدین، رسول سلطانی، امید شایان، ساله شریفی، فرشید شیوا، شراره صالحی، هومن صدر، مجتبی طباطبایی، فخرالدین فخرالدینی، شهرام کریمی، مانی کومار، مهرداد محب‌علی، علی ملک، نزار موسوی‌نیا، احسان نصری، آلفرد یعقوب‌زاده و عادل یونسی ارائه شده است. «باله در هوای آزاد» از دهم دی در گالری «آ»، واقع در خیابان کریم‌خان زند، خیابان عضدی (آبان‌جنوبی)، کوچه ارشد، پلاک هفت آغاز به کار کرده و تا ۲۷ دی ادامه خواهد داشت.

بیکرپوران فرخزاد تشیع می‌شود



● **بیکر** زنده‌یاد پوران فرخزاد یکشنبه ۱۲ دی‌ماه ساعت ۸:۳۰ صبح از مقابل بیمارستان ایرانمهر به سمت قطعه نام‌آوران بهشت‌زهرآ (س) تشییع می‌شود. پوران فرخزاد شاعر، نویسنده و پژوهشگر، پنجشنبه ۹ دی‌ماه ساعت هشت صبح بر اثر ایست قلبی از دنیا رفت. پوران فرخزاد متولد بهمن‌ماه سال ۱۳۱۲ است و ازجمله آثار او می‌توان به «زن از کتیبه تا تاریخ» (دانشنامه زنان فرهنگ‌ساز ایران و جهان در دو جلد)، «اوهام سرخ‌شقایق» (گزیده‌ای از اشعار زنان جهان)، «نیمه‌های ناتمام؛ سیری در شعر زنان از رابعه تا فروغ»، «زن شانه موعود» (نشان زن در آثار سهراب سپهری)، «کسی که مثل هیچ‌کس نیست» درباره فروغ فرخزاد، مجموعه شعر «خوشبختی در خوردن سیب‌های سرخ»، مجموعه داستان «دیداری در پاییز»، مجموعه رباعی «جنگ مشوش»، داستان‌های بلند «در پس آینه» و «آتش و باد»، رمان «در انتهایی آتش و آینه» و فرهنگ «کارنمای زنان کارای ایران از دیروز تا امروز» اشاره کرد.

آغداشلو و شورای انتخاب ۳۰۵۰ اثر را داوری می‌کنند



● **شرق:** شورای انتخاب آثار دوسالانه نقاشی دامون‌فر از سوی آیین آغداشلو (رئیس شورای داوری ششمین دوره) معرفی شده و کارش را آغاز کرده است. سیف‌الله یویاراد، مدیر دوسالانه نقاشی دامون‌فر ویژه جوانان زیر ۲۵ سال ایران، با اعلام خبر فوق گفت: «در مهلت تعیین‌شده سه هزار و ۵۰ اثر از هزار و ۳۴۰ هنرمند به دبیرخانه این دوسالانه رسیده است». او گفت: «با نظر استاد آغداشلو، هیئت انتخاب آثار این دوره عبارت از خانم‌ها معصومه مظفری، گلنار فتحی و آقای یویا آریان‌پور است که کار اولیه انتخاب آثار روی سی‌دی را به انجام رسانده و از پذیرفتگان مرحله نخست خواسته شده اصل آثار را تحویل دهند تا مرحله دوم داوری شود و تعیین آثاری که به بخش نمایشگاهی راه می‌یابند، آغاز شود». او خاطرنشان کرد: «مرحله سوم داوری که برگزیدگان ششمین دوره دامون‌فر را اعلام خواهند کرد، در نظر استاد آغداشلو در خبرهای بعدی معرفی می‌شوند». یویاراد استقبال جالب توجه جوانان از این رویداد ملی را مایه مباحث و دلگرمی خوانند و گفت: «خوشحالم دامون‌فر به سکوی برای دیده‌شدن جوان‌ها بدل شده است». در نخست ششمین دوسالانه نقاشی دامون‌فر مسافر آلمان خواهد شد و میهمان آکادمی هنری فابریکاستل خواهد بود. به نبرات بعدی هم جوایز ارزنده‌ای اهدا می‌شود. این دوسالانه به همت کاری دامون‌فر با همکاری گوبلو برند ایرانی- آلمانی، فابریکاستل آلمان، کانسون و پ‌باو فرانسه از ۲۰ دی در گالری پردیس ملت افتتاح می‌شود